

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

۱۳ اپریل ۲۰۱۶

بندش طبع!!!

شعر ودیعه ای ست خداوندی که در شرایط خاص، به شاعر الهام می شود. گرچه این تعریف کامل نیست و حدود و ثغور شعر سرودن را مکمل تعیین نمی کند، اما نشان میدهد. سرچشمه الهام شعر بعضاً خشک می شود و شاعر روزها و ماهها نمی تواند با انبوه دردهای درونی، یک مصراع هم روی کاغذ بیاورد؛ و این تلخترین روزهای ست برای شاعر. متأسفانه از مدتی ست من به این مشکل روبرو هستم و به همین مناسبت درد دلی دارم، که تقدیم می شود:

شده چندی، که طبع من بند است	خاطر اتم به غصه آگند است
آبِ پاکی، که صاف بود و زلال	در کثافات خفته و دند است
طبع دریامزاج من امروز	به خسی بند مانده، رِشخند است
گم شد از پیش من، هراچه درو	شعر را پیشوند و پسوند است
از قلم سر نمی زند حرفی	مشکلاتی درین فراوند است
شادمانم نمی کند سخنی	بر لبم تلخ است، اگر قند است
دوستی ها گسسته است ز هم	خورده برهم، هراچه پیوند است
از کنار من ارجمندان رفت	به غم خود نشسته فرزند است
نه به دل موج دوستی و نشاط	نه به لب ها نشان لبخند است
کس نفهمید حالتم چون است؟	کس نپرسید قیامت چند است

طبع شاد «اسیر» بند مباد!!!

التماس من از خداوند است

(م. نسیم «اسیر» - ۹ مارچ ۲۰۱۶ - فرانکفورت)